



بسم الله الرحمن الرحيم

منازل السیر

شرح و تعلیقه منازل السائرین

محمد روزبهانی

جلد اول



انتشارات آیت اشراق

روزبھانی، محمد، شارح	سرشناسه:
منازل السایرین. شرح	عنوان قرار دادی:
منازل السیر: تعلیقہ بر منازل السایرین و شرح آن / محمد روز بھانی	عنوان و نام پدیدآور:
آیت اشراق، ۱۳۹۴.	مشخصات نشر: قم:
ج۲.	مشخصات ظاہری:
(دوره) ۵-۱۹-۷۴۰۴-۶۰۰-۹۷۸	شابک:
(ج ۱) ۴-۱۶-۷۴۰۴-۶۰۰-۹۷۸	
(ج ۲) ۱-۱۷-۷۴۰۴-۶۰۰-۹۷۸	
فیبا.	وضعیت فهرست نویسی:
اثر حاضر شرح و تعلیقہ منازل السایرین خواجہ عبداللہ انصاری است.	یادداشت:
کتابنامہ: ج. ۲. : همچنین به صورت زیر نویس.	یادداشت:
انصاری، عبداللہ بن محمد، ۳۹۶-۴۸۱ق. منازل السایرین - نقد و تفسیر	موضوع:
عرفان - متون قدیمی تا قرن ۱۴.	موضوع:
تصوف - متون قدیمی تا قرن ۱۴.	موضوع:
انصاری، عبداللہ بن محمد، ۳۹۶-۴۸۱ق. منازل السایرین. شرح	شناسه افزوده:
BP ۲۸۲/۶ الف/۸ ۸۰۲۴ ۱۳۹۴	رده بندی کنگره:
۲۹۷/۸۳	رده بندی دیویی:
۳۷۸۵۲۴۵	شماره کتابشناسی:



انتشارات آیت اشراق

منازل السیر

شرح و تعلیقہ منازل السایرین
جلد اول

■ محمد روزبھانی ■ ناشر: آیت اشراق ■ نوبت چاپ: اول، ۹۴ ■ تیراژ: ۱۰۰۰

■ چاپ: گل وردی ■ صحافی: جوانان

■ قیمت دوره: ۴۵۰۰۰۰ ریال ■ شابک: ۴-۱۶-۷۴۰۴-۶۰۰-۹۷۸

شابک: (دوره) ۵-۱۹-۷۴۰۴-۶۰۰-۹۷۸

قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، پلاک ۸۶

تلفن: ۰۲۵ ۳۷۷۴۴۶۵۰ / ۰۲۵ / نامبر: ۳۷۷۴۹۶۲۸ ۰۲۵

پیام کوتاه: ۰۹۳۷۳۹۷۱۹۵۴

www.eshraqco.com

E-mail: info@eshraqco.com

ayat.eshraq@gmail.com

تمامی حقوق آثار انتشارات آیت اشراق برای ناشر محفوظ بوده،
و کپی از آنها به هر شکلی (دیجیتالی، صوتی، تلخیص و ...) ممنوعیت قانونی و شرعی دارد.

فهرست مطالب

٩	الطَّلِيعَة
١٥	مقدمه‌ی کتاب

القِسْمُ الاولُ البدايات

١١٣	قسم البدايات
١١٥	باب اليقظة
١٢٩	باب التَّوْبَة
١٥٥	باب المحاسبة
١٥٩	باب الانابة
١٦٢	باب التَّفَكُّر
١٧٢	باب التَّذَكُّر
١٧٦	باب الاعتصام
١٨٠	باب الفرار

١٨٦	باب الرّياضة
١٩١	باب الرّسّام

القِسْمُ الثّاني الابواب

١٩٧	قِسْمُ الْآبِواب
١٩٩	باب الحزن
٢٠٠	باب الخوف
٢٠٣	باب الاشفاق
٢٠٥	باب الخشوع
٢٠٧	باب الاخبات
٢٠٧	باب الرّهد
٢١٠	باب الورع
٢١٢	باب التّبتّل
٢١٤	باب الرّجاء
٢١٧	باب الرّغبة

القِسْمُ الثّالث المغاملات

٢٢١	قسم المغاملات
٢٢٣	باب الرّعاية

٢٢٨	باب المراقبة.....
٢٣٤	باب الحرمة.....
٢٣٧	باب الاخلاص.....
٢٣٩	باب التّهذيب.....
٢٤٤	باب الاستقامة.....
٢٤٦	باب التّوكّل.....
٢٤٨	باب التّفويض.....
٢٥١	باب الثّقة.....
٢٥٣	باب التّسليم.....

القِسْمُ الرَّابِعُ الاخلاق

٢٦١	قِسْمُ الاخلاق.....
٢٦٤	باب الصّبر.....
٢٧١	باب الرّضاء.....
٢٧٦	باب الشّكر.....
٢٨٠	باب الحياء.....
٢٨٢	باب الصّدق.....
٢٨٧	باب الايثار.....
٢٩٤	باب الخُلُق.....

٢٩٩	باب التّواضع
٣٠٢	باب المفتوة
٣٠٦	باب الانبساط

القِسْمُ الخامسُ الاصول

٣١١	قسم الاصول
٣١٣	باب القصد
٣١٤	باب العزم
٣١٦	باب الارادة
٣١٨	باب الادب
٣١٩	باب اليقين
٣٢٢	باب الانس
٣٢٥	باب الذّكر
٣٣٢	باب الفقر
٣٣٦	باب الغنى
٣٤٠	باب المراد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الطَّلِيعَة

الحمد لله ربّ العالمين و السّلام و الصّلاة على سيّدنا محمّد و آله الطّاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين من الان الى قيام يوم الدّين.

خُلِقَ آدمی ظهور خَلَق اوست، خُلِقَ به معنای خوی و خوی به معنای سرشت و طبع می باشد. اخلاق جمع خُلُق است. موضوع اخلاق نفس می باشد. علم اخلاق برای شناخت و تعالی اخلاق انسان است.

غایت علم اخلاق وصول به عالم نور و زیارت لقاء الله تعالی و رسیدن به ذات اقدس الهی است. خلق و اخلاق بر دو قسم است:

۱- اخلاق کلامی و عادی، این قسم صوری و خودسازی است؛ کسانی که دارای این اخلاقند در پی آرایشند می خواهند نفس خود را آرایش کنند، بدی ها و کجی ها را از خود دور نمایند، وقتی همه را دور ساختند خوبی ها و راستی ها را به خود می گیرند؛ اول خویش را از صفات بد تخلیه کرده سپس خود را با صفات خوب تحلیل می نمایند، زیرا انسان دارای اصالت و واقعیت است، در پی صفات پسندیده می باشد می خواهد خودش را خوب نموده و در مقابل خدا، خود

را بیاراید، خود را با اخلاق حسنه زیبا می‌کند چون دارای وجود است در پی خوبی‌هاست.

۲- اخلاق عرفانی، سالک ذات ندارد می‌کوشد تا خود را خراب کند، هر چه دارد شکسته و از خود رها می‌سازد؛ یک ذات است مخصوص خدای تبارک و تعالی می‌باشد. صفات جمال و جلال از خداوند است، سالک بنده‌ی خداست و بنده چیزی از خود ندارد بلکه خودش وجود ندارد، بت نفس و خودباوری را می‌شکند تا باورش شود آن چه هست خداست.

در اخلاق کلامی دوئیت، منیت و شرک وجود دارد در اخلاق عرفانی این چنین نیست، عارف خواستار توحید است هر چه دارد فنا می‌کند تا به وحدت و توحید برسد و جز یک خدای جمال و جلالی نبیند.

اخلاق عرفانی

اعتقادات و اخلاق عرفانی دو صورت دارد: صورت نظری و صورت عملی؛ در این کتاب صورت اول را طالبیم، این کتاب را بخوانیم تا راه عمل به عرفان و اخلاق عملی را بیابیم. در کتاب منازل السائرین روش سیر و سلوک و سیرالی الله ترسیم شده است؛ از یقظه و بیداری و براه افتادن تا رسیدن به توحید راهی در پیش است که این راه منزل‌های متعددی دارد. در این کتاب ده منزل کلی ترسیم شده و هر منزل به ده منزل تقسیم شده است، جمعاً یکصد منزل می‌شوند و هر منزل از این صد منزل سه منزل می‌باشد، جمع آن به سیصد منزل می‌رسد. اما ده منزل کلی عبارتند از بدایات، ابواب، معاملات، اخلاق، اصول، اودیه، احوال، ولایات، حقایق و نهایات.

اولین منزل از منزل‌های بدایات، منزل یقظه و بیداری از خواب است، مؤمن و سالک در این منزل از خواب غفلت بیدار می‌شود بعد از بیداری از این غفلت توبه است سپس حسابرسی است، انانیت خود را محاسبه کند و به انابه بیفتد به فکر افتاده و متذکر شود، اعتصام پیدا کند و از خود فرار کند، با ریاضت و سماع خود را به ابواب برساند و خلاصه به سوی خدای خودش سفر کند و پیش برود تا به ابواب برسد و به در خانه‌ی خدا رسد، کاری کند تا درب خانه‌ی دوست به رویش باز گردد. در این جا به حزن می‌رسد، محزون است، آیا درب به رویش باز می‌شود یا نه؟ لیکن می‌بیند درب خانه دوست به رویش باز است با رغبت وارد معامله با او می‌شود چون معامله با دوست مانند معامله با دیگران نیست رعایت می‌کند و تسلیم می‌شود لذا لازم است اخلاق دوست را بداند، اخلاق خود را با اخلاق دوست متناسب کرده و اخلاق خدائی طلب کند تا بیابد وقتی خُلق خدائی را یافت معامله را بزمین می‌گذارد؛ اخلاق نتیجه‌ی معامله است، با صبر به انبساط می‌رسد، در مقام اخلاق نفس صافی می‌شود و به مقام اصول می‌رسد، قصد اراده می‌کند به اراده می‌رسد. اراده را قوی می‌کند مراد می‌شود وقتی مراد شد از محبوبین است لذا او را به اودیه می‌اندازند، در مقام احسان او را بوادی و کوه و کمر و دره و پرتگاه می‌اندازد.

هر که در این بزم مقرب‌تر است جام بلا بیشترش می‌دهند
آن که بود تشنه شمشیر دوست آب دم نیشترش می‌دهند

او را در اودیه و دره‌های بلا انداخته‌اند، او بلا دیده و بلاکش شده است «البلاء للولاء»، همت می‌کند و با همت والایی او دیه را طی کرده و حال پیدا می‌کند، به سبب آن که در اودیه کوشش نموده حرارت پیدا کرده است و حبّ از

حرارت حاصل می‌شود؛ ایمان از حرارت ظاهر می‌گردد؛ به حبّ می‌رسد حبّ او برای خداست.

«الحب لله والبغض لله» با حبّ و محبت، به ولایت ذوق پیدا می‌کند؛ با حرارت بالا می‌رود تا به ولایت برسد وقتی رسید صاحب ولایت می‌شود خدای تعالی به او ولایت می‌دهد، او ولی الله و امانت‌دار خداست، مؤمن و سالک وقتی بالا رفت و به ولایت رسید، حرارتش آتش می‌شود، ولایت آتش است انفجار است، انفجار از نفس است؛ وقتی سالک آتش گرفت و منفجر شد تمام می‌شود وقتی تمام شد حالا حق است؛ (ولایت بسیار سنگین است) وقتی ترک خود کرد و مشکلات نداشت ولی الله است، ولی الله تنزیل و ظهور الله تعالی می‌باشد؛ سالک در باب ولایات بالا را به جان خود می‌خرد و از لحظ حرکت می‌کند تا به تمکن برسد و تمکین حضرت حق کند با تمکین حضرت حق به آثار ولایت و حقایق می‌رسد.

در این مقام در سفر چهارم است؛ سفر من الحق الى الحق بالحق است، سفر خلقی نیست بلکه دستگیر خلق است. وقتی به حقایق رسید بدون چشم‌ظاهری می‌بیند؛ سیر و سفر سالک در این مقام سیر و سفر حقیقی است از مکاشفه و مشاهده حق بالا می‌آید تا از هر چه غیر است می‌برد حتی از خودش، وقتی از خود انفصال پیدا کرد در نهایت به نهایت می‌رسد.

بدایات سلوک نباشند مقدمات سلوک هستند، متوسطات، سلوک هستند، نهایت هم سلوک نباشند بلکه آثار سلوک هستند، در نهایت معرفت است؛ فناء فی الله و بقای بالله و تحقیق و وجود و تجرید و تفرید و جمع و توحید است وقتی شناخت و بالا رفت به مقام توحید جمعی می‌رسد، به این مقام می‌رسد که

جز یک خدا نمی‌بیند، یک خداست و جز او نیست.

و اما متن کتاب منازل السائرین از خواجه عبدالله انصاری است و شرح آن از کمال الدین عبدالرزاق قاسانی و یا کاشانی است؛ متن و شرح خوب است گرچه شارح از شرح تلمسانی استفاده کرده ولی از شرح تلمسانی؛ بهتر است شرح تلمسانی اشکاک و اجمال فراوانی دارد ولی این شرح، مشکلات کمتری دارد، البته متن و این شرح هم خالی از اشکال نیستند، و انشاء الله تعالی به آن‌ها اشاره می‌شود.

در کتب عرفانی روی سلسله و سند عارف فراوان تکیه می‌کنند، سلسله او را به آقا علی علیه السلام می‌رسانند لیکن این کار درست نیست.

عارف نیاز به سلسله سند ندارد، سند عارف حق تعالی و حضرات معصومین علیهم السلام هستند، فقط سیادت مهم است در اویش در پی سند و سلسله هستند و حال آن که سند و سلسله خاصیتی ندارد خود انسان اصل هستی است لازم است حرکت کند و خود را نشان داده و به کمال برساند؛ با رها کردن هستی و رها کردن خود، به خدا برسد و خدا را ببیند و زیارت کند، فقط حق متعال بماند و هست و بس.

اختلاف است که شارح کتاب اهل قاسان سمرقند است یا اهل کاشان نزدیک قم. این هم فرق نمی‌کند و مهم نیست اهل کجا باشد، «الملک لله»، انسان از هر جا باشد از خاک است ﴿إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾^(۱) پس انسان خاکی لازم است با شریعت ناب و برهان صافی و مشاهده‌ی عینی به پیش برود، بخدای عزوجل برسد و خود را رها کند؛ یک خداست خدائی می‌کند، جلّ جلاله و عظم شأنه.

پس این تعلیقه مطالب دقیق و مستندی را در بر دارد. جلد اول از کتاب «منازل السیر» در عرفان عملی مشتمل است بر مقدمه‌ی کتاب و اقسام بدایات، ابواب، معاملات، اخلاق و اصول. هر قسمی از این اقسام دارای ده باب می‌باشد. این تعلیقه بر مبنای کتابی که در دست بوده و کتابی است قدیمی نوشته شده است؛ هنگامی که تصمیم به چاپ آن گرفته شد، از حقیر خواسته شد تا آدرس تعلیقه به نسخه‌ی موجود در بازار؛ از انتشارات بیدار، قم؛ برگردانیده شود و این کار صورت گرفت، با انجام این کار ممکن است بعضی از کلماتش - ولو محدود - با نسخه‌های موجود هماهنگ نباشد، مشکلی نیست.

در خاتمه امید موفقیت در تمام کردن این اثر را به طور احسن از خدای تبارک و تعالی دارم. همچنین از کسانی که این نوشتار را مشاهده می‌کنند در خواست دعای خیر و عاقبت بخیری را برای برادرشان دارم.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین.